

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۳ اگست ۲۰۲۱

"غنی احمدزی" و تکرار "گم کردن سوراخ دعا"!

(۱)

دوشنبه - ۱۱ اسد ۱۴۰۰ - کابل: هر گاه به خبر های امروز گوش داده باشید حتماً شنیده اید که در جمع خبر های مهم، یکی هم رفتن "غنی احمدزی" به "ولسی جرگه" و طلب کمک از اعضای آن در آستانه سقوط شهر های بزرگی چون هرات، قندهار و هلمند آنها بعد از سقوط اسرار آمیز و توطئه گرانه حدود ۲۰۰ ولسوالی در دوماه اخیر بود. در یادداشت کنونی خواهم کوشید تا صرف از دو منظر یعنی سوابق رابطه بین "ارگ و ولسی جرگه" و "ماهیت سازشکارانه و غیر قابل اعتماد" بودن "ولسی جرگه" پرداخته، انطباق وضعیت کنونی را با اصطلاح "گم کردن سوراخ دعا" بیان بدارم:

۱- رابطه بین "ارگ و ولسی جرگه":

همان طوری که همه می دانیم در طول تاریخ چه در زمان شاهی و چه بعد از آن، هیچ گاهی مناسبات "ولسی جرگه" یعنی قوه مقننه به مثابه بخشی از کلیت دولت با حکومت یعنی قوه مجریه، بخش دیگری از کلیت دولت، اینهمه تیره، خصمانه توأم با اهانت های متقابل نبوده است.

این جنگ از جانب قوه مجریه به خصوص شخص "غنی احمدزی" آغاز یافت و نه تنها ماه ها از افتتاح و رسمیت بخشیدن به آن خود داری ورزید، بلکه به مثابه انتقام اعضای به اصطلاح "کمیسسیون مستقل انتخابات" را که مطابق میل "غنی احمدزی" نام ها را از صندوق بیرون ننموده بودند و همان طوری که منافع شان ایجاب می نمود و بادران امپریالیست شان هدایت داده بودند، افراد برنده را اعلام نمودند، همه را به بهانه تقلب به زندان انداخت که هنوز هم در زندان به سر می برند. یعنی در حالی که خود به جرم تقلب در انتخابات زندانی اند، ماحصل کارشان مورد پذیرش قرار گرفته و کسانی به نام وکیل در "ولسی جرگه" به داد و ستد ادامه می دهند.

به دوام امتناع اولیه از شناسائی و رسمیت دادن ولسی جرگه از جانب ارگ، زمانی که "غنی احمدزی" و باندش زیر فشار اشغالگران ناگزیر گردیدند تا سرانجام بعد از ۸ ماه تأخیر، ولسی جرگه را افتتاح نمایند، باز هم همه شاهدیم که با نفرستادن اعضای کابینه و ادامه کار سرپرستان، در عمل ولسی جرگه را نامشروع و فاقد صلاحیت دانسته کمترین حقی برای آنها قایل نشد.

به این هم اکتفاء ننموده ضمن آن که همسرش "روغنی" را که هیچ صلاحیت و مقامی بر مبنای قانون اساسی ساخت استعمار در حاکمیت مستعمراتی کنونی ندارد تحریک نمود تا مستقیماً ولسی جرگه را توهین و اهانت کند، به چوکړه جدیدش "امر الله صالح" نیز دستور داد تا به آنها دشنام بدهد.

با چنین سابقه و روابطی بین "ارگ" و "ولسی جرگه" وقتی امروز از سر ناچاری دست به دامن آنها دراز نمود و تقریباً با تمام اعضای کابینه بخوانید "خدم و حشم" خاص خودش به شمول "امر الله صالح" به "ولسی جرگه" مراجعه نمود و از آنها خواست تا گذشته ها را فراموش نموده و به دنبال یافتن مقصر نباشند بلکه همه دست به دست هم بدهند تا "نظام" بخوانید حاکمیت جمعی خودش و اعضای "ولسی جرگه" را نجات دهند، از کسانی که می بایست حداقل با حضور شان، تلویحاً معذرت می خواستند، جای "روغنی" خالی بود.

شاید بهتر بود حال که خودش با خدم و حشمش از آنها کمک می خواست، "روغنی" را نیز با خود می برد تا ضمن عذر خواهی تلویحی با حضورش، یک نوع "ننگ و غیرت افغانی" را که برای گرفتن کمک "همسرش" را نیز با خود برده بود، دامن می زد.

هرچند "غنی احمدزی" با رفتنش "ولسی جرگه" را وادار ساخت که با صدور یک اعلامیه در ۵ ماده، آنها را با اتفاق آراء یعنی تمام ۲۷۰ تن حاضر در جلسه همه حمایتشان را از حاکمیت اعلام بدارند، مگر به محض این که همان رأی دهندگان پای شان از جلسه بیرون شد، همه شاهد بودیم که تعدادی از آنها خلاف رأی موافق شان در داخل مجلس، در خارج از مجلس صحبت های "غنی احمدزی" را تکراری، دیر و بی نتیجه خوانده، مقابل کمره های عکاسان و خبرنگاران، ادا و اکت مخالفت با "غنی احمدزی" را به نمایش گذاشتند، بدون آن که کسی و یا خود بدین سؤال پاسخ گویند، که اگر تمام این نمایش "کمک خواهی" و به "زانو افتادن" وی را دیر و بی نتیجه می دانند و علت آن را هم تعهد شکنی های متواتر و غیر قابل اعتماد بودن "غنی احمدزی" در جریان حدود ۷ سال حاکمیتش می دانند، چرا در جلسه اتفاق آراء را نشکستند. تا کس آنها را به دو روئی و تقلب متهم نسازد.

ادامه دارد:

* - «ریشه این اصطلاح در حکایت زیر از دفتر چهارم مثنوی است:

آن یکی در وقت استنجا بگفت که مرا با بوی جنت دار جفت
گفت شخصی خوب ورد آورده ای لیک سوراخ دعا گم کرده ای

توضیح:

شخصی به هنگام استنجا (طهارت گرفتن بعد از قضای حاجت) به جای خواندن دعای ویژه این کار (خدایا کثافات جسمی را از خودم پاک کردم، بادا که پلیدی معنوی هم از من پاک گردد)، به اشتباه دعای شستن بینی را می خوانده (خدایا من بینی جسمی ام را می شویم، بادا که بینی روحی ام نیز پاک شود تا بوی بهشت به مشامم برسد) و دیگری به او گفت: دعا را خوب می خوانی، اما سوراخ دعا را گم کرده ای!

(برگرفته از: علی اکبر دهخدا - امثال و حکم، جلد ۲)